نیره ساری

پرونده

مجالس حسینی و تربیت دینی فرزندان

از کودکی پای روضه امام حسین(ع) نشستیم

وقتی خدا در دل‌های کوچک خانه می‌کند

همه عشق کودکی من از دهه محرم این بود که به مدرسه عالی شهید مطهری بروم و شب شام غریبان شمع در دست کنار سایر بچه‌ها از زبان طفل یتیم کربلا زمزمه کنم: «این شتران را تو به تندی مران، ساربان ساربان/ طفل یتیمی از حسین گم شده ساربان ساربان/ اقامت زینب را لم خم شده ساربان، ساربان».

هنوز هم وقتی زمزمه می کنم به کودکی‌ای برمی گردم که دوست داشتم چادر سر کنم و شبیه قصه‌هایی شوم که مادرم از غربت سه ساله امام حسین(ع) تعریف می کرد.

مکتب حسین بن علی یعنی از طفل شیرخوار تا پیرمرد ۹۰ ساله آماده نثار جان خود در راه امام زمان(عج) هستند. عشق به امام حسین(ع) همانطور که فقیر و غنی نمی‌شناسد، سن و سال و کوچک و بزرگ هم نمی‌شناسد. تک‌تک ما غم عشق حسین(ع) را با شیر مادر گرفتیم. به واسطه پدر و مادرهای‌مان نمک‌گیر روضه شدیم. به چشم‌های خود برای ترشدن التماس می کردیم. از زیر چادر و روسری با قطره‌ای اشک از زیر چشم خود را خیس می کردیم که تظاهر به گریه کردن کنیم و بعدها اشک خودش می آمد.

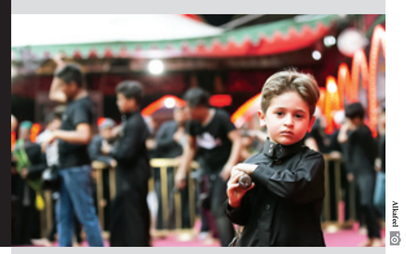

هنوز هم جلودار دسته‌های سینه‌زنی و عزاداری پسران کوچکی هستند که سنگینی میله پرچمی را تحمل می کنند که مزین به نام سیدالشهدا(ع) و ابوالفضل العباس(ع) است. هنوز هم دختران کوچک شام غریبان شمع در دست در کوچه‌ها و خیابان‌ها می چرخند و یاد کودکان یتیم کربلا را زنده می کنند. حرکت امام حسین(ع) و یاران‌شان به سمت کربلا از هر بعدی می تواند برای ما و فرزندان‌مان راه نجات و چراغ هدایت باشد چرا که لحظه به لحظه در مسیر تربیت صحیح برای تک‌تک ما ست. تربیت از جوانی نیست، بلکه از کودکی باید شروع کرد. خیلی وقت‌ها ما یک بنایی را (چه کار گیریم) اجری را لق می‌دهیم، بعدها توقع داریم یک بنای صاف تحویل بگیریم، در حالی که فراموش می کنیم پی‌ریزی این بنا در همان کودکی صورت می گرفت.

ما هویت مذهبی خود را در کودکی کسب کردیم و با مطالعه و تعمق بیشتر در طول سال‌های متوالی، توانایی تشخیص درست و غلط را به دست آوردیم. شکل‌گیری هویت مذهبی کودک در هیئت‌ها و مراسم عزاداری امری صحیح است تا در سنین نوجوانی به پرسش‌های اساسی برسد و در نهایت با تفکر و تعمق به جزئیات پی ببرد. «امان چرا گریه می کنی؟»، «بابا چرا ناراحتی؟» پرسش‌هایی است که کودکان بعد از دیدن چهره اشک‌آلود یا اندوهگین می‌پرسند و این بهترین زمان برای توضیح دلیل عزاداری‌هاست. البته نباید فراموش کرد که باید به گونه‌ای وقایع را توضیح دهیم که احساس ترس و وحشت به آنها غالب نشود. بیان جزئیات جدّی‌تر اثرگذار نیست، بلکه می‌توان روایت را کودکانه در ذهن کودک ثبت کرد تا اصولی مثل مبارزه با ظلم، عشق به همنوعان، کمک به ضعیفان، حق‌طلبی و راستگویی در قلب آنها حک شود.

اگر فرزندان‌مان به طبل یا پرچم عزاداری علاقه دارند، برای‌شان تهیه کنیم و از قبل محرم آنها را با نماهای عزاداری آشنا کنیم. قرار نیست حتماً با پخش مداحی یا موحسرایی، کودک خود را برای چنین فضایی آماده کنیم. می‌توان با تغییر رنگ لباس در روزهای تاسوعا و عاشورا، خواندن قرآن یا داعا، تغییر نواهایی که معمولاً در خانه پخش می‌شود یا با ویژاین کردن یک پرچم سیاه در خانه، همسویی با عزاداران را به کودک نشان داد تا او فکر نکند این مراسم مربوط به آدم‌های بیرون از خانه است. البته که نباید بچه‌ها را وادار به حضور در هیئت کرد، اما می‌توان به گونه‌ای رفتار کرد که بچه‌ها برای حضور در هیئت و مراسم عزاداری ترغیب شوند. اولین نکته صبوری والدین و به خصوص مادران است. قطعاً حضور در مراسم عزاداری به همراه کودکان باعث می‌شود بخشی از سخنرانی یا حتی همه سخنرانی را متوجه نشویم. ممکن است درست لحظه‌ای که ارتباط مؤثری با مراسم برگرفتیم، مجبور شویم بچه را به سرویس ببریم. هزاران اما و اگر دیگر که سختی‌ها و البته شیرینی‌های خود را دارد.

می‌توان بچه‌ها را به هیئت‌هایی برد که دوست دارند و به هر دلیلی متمایل و شیفته حضور در آن جمع هستند. دلیل این تمایل می‌تواند محیط بازی خاص باشد یا پیدا کردن دوستی که بتواند با او ارتباط مؤثری بگیرند. کودکان از برگ‌برگ‌ها الگو می‌گیرند و اگر الگوی درستی ببینند و والدین و اطرافیان نزدیک خود را به عنوان انسان موفق باور کنند، برای شبیه شدن به آنان تلاش می‌کنند. کافی است برای این تربیت، روح فرزند خود را از الگوهای درست تغذیه کنیم. هیئت و روضه همان الگوی درست و تربیت زنده و اثرگذار است.

شاید کمتر کسی از این زاویه مراسم عزاداری را دیده باشد که همواره قسمت زنانه روضه‌ها و هیئت‌ها خیلی خاص است. نه به جهت عزاداری بلکه به دلیل حضور رنگ‌به‌رنگ و سنین مختلف کودکان؛ کودکانی که به نسبت بزرگسالان انگیزه‌های متخفی معنوی برای حضور در چنین مراسمی ندارند، تحمل سرما و گرما را ندارند، هنگام خروج از مراسم به دلیل تجمع ادیت می‌شوند. نورانداز که از صدای بلندگو اذیت می‌شوند. دسترسی به سرویس بهداشتی برای آنها سخت‌تر است. گرسنه می‌شوند. بهانه می‌گیرند اما با همه اینها شاید اکثر غریب به اتفاق بچه‌ها حضور در مراسم عزاداری را دوست داشته باشند. مادرانی که شرایط بسیار سختی را تحمل می‌کنند اما باور دارند که حضور بچه‌ها در چنین مراسمی در تربیت دینی آنها و دریافت مفاهیم متعالی، مؤثر است و در این مسیر خدا آرام‌آرام در دل‌های کوچک و پاک آنان خانه می‌کند.

حجت‌الاسلام فخرالدین صابری، مدیر موزه ملی قرآن کریم:

مجالس حسینی جذاب‌ترین محمل برای تربیت دینی فرزندان است

به اعتقاد مدیر موزه ملی قرآن کریم مجالس حسینی جذاب‌ترین محمل برای تربیت دینی فرزندان است، اما فرهنگ پهلوادن و اعتبار بخشیدن به نسل جدید در مجالس و محافل دینی و مراسم عزاداری باید جایگزینی نسل جدید انگیزه و رغبت بیشتری برای حضور در این برنامه‌ها داشته باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین فخرالدین صابری در گفت‌وگو با «جوان» در پاسخ به سوالی مبنی بر اثرات تربیتی محافل دینی و مجالس روضه و عزاداری در تربیت دینی فرزندان می‌گوید: یکی از وظایف والدین در ارتباط با فرزندان در کنار انتخاب نام نیکو، تربیت دینی و ادب‌آموزی است که در جامعه دینی این مهم باید تحقق پیدا کند.

■■■

■ محملی جذاب و اثرگذار در تربیت دینی

وی ماه محرم و مجالس دینی را یکی از محمل‌های جذاب و ظرفیت‌های مهم و ارزشمند برای انتقال مفاهیم متعالی اسلام و مکتب تشیع به کودکان، نوجوانان و جوانان می‌داند و می‌گوید: همه ما می‌دانیم در گذشته مراکز آموزشی عمومی توجهی به تعلیم آموزه‌های اصیل دینی نمی‌کردند و نیاز توده‌های مردم در این زمینه از طریق مواعظ و پندیات در مجالس عزاداری که در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شد، انتقال پیدا می‌کرد. همچنین در روزگارانی که کتابخانه‌ها و مکتبخانه اندک بود، مردم از طریق واعظ و روضه‌خوان با این مفاهیم آشنا می‌شدند.

وی با اشاره به کتاب «شرح زندگانی من» نوشته مرحوم عبدالله مستوفی که خاطرات عزاداری در دوره قاجار را نگاشته است، بیان می‌کند: در این کتاب اشاره شده است که مردم بی‌سواد، خوش‌رفتاری و نکته‌سنجی خود را از مجالس عزاداری امام حسین(ع) دریافت می‌کردند.

به اعتقاد وی چنانچه، خانواده‌ها فرزندان خود را تشویق به حضور در این مجالس کنند، از طریق فرهنگ حسینی با خدا و پیامبر(ص) بهتر و بیشتر آشنا می‌شوند. این یک روش درست محسوب می‌شود چرا که درخت اسلام را باید از میوه‌اش شناخت و یکی از بهترین این میوه‌ها وجود سیدالشهدا(ع) است.

حجت‌الاسلام صابری با بیان این مطلب که احساسات مذهبی فرزندان منشأ عقاید و باورهای آنان می‌شود، ادامه می‌دهد: با دانستن مظلومیت امام حسین(ع) احساسات برانگیخته می‌شود و عقاید شکل می‌گیرد، ضمن اینکه در بر توجالس عزاداری و روضه‌خوانی‌ها و وعظ و اعظان، معارف اسلامی نیز منتقل می‌شود و این مراسمات در اخلاق، منطق و مذهب فرزندان تأثیراتی شگرف خواهد داشت.

رئیس موزه ملی قرآن کریم توصیه می‌کند: خانواده‌ها از موقعیت و فرصت دهه محرم برای تربیت دینی فرزندان بهره بگیرند و با تدابیر خاص، فرزندان خود را به این محیط‌ها بیاورند تا اثر اجتماعی و فرهنگی آن را در زندگی شاهد باشند.

■ احترام به فرزندان در مجالس دینی

وی درباره شیوه رفتار با نسل‌های جدید می‌گوید: تمام کسانی که در برپایی یک هیئت و شیعه امام حسین(ع) دخیل هستند، حتی واعظ و مداحین باید برای مخاطب کودک، نوجوان و جوان ارزش ویژه قائل شوند، همچنین کارگزاران این مجالس

وعاظ باید به مقتضای حال و شرایط مخاطبان، وعظ و خطابه تنظیم کنند تا مخاطب احساس کند نیاز فکری او تامین می‌شود. جمعیت خاص جوان و نوجوان نیز در انتقال مفاهیم مورد توجه قرار گیرد، به بیان این موضوعات مورد پذیرش نیست و ایجاد دافعه می‌کند

گزارش میدانی

از مادرانی که به همراه فرزندان خردسال خود به هیئت می‌روند

دردانه‌هایی که در مجلس روضه پا می‌گیرند و حسینی بار می‌آیند

عکس: رضا محمدی/ جوان

از نوزاد ۴۰ روزه تا کودکان ۱۰ ساله... دختر و پسر... قسمت خواهران، مجالس روضه خاص است. یکی در حال نقاشی کردن، یکی در حال جغجغه تکان دادن، یکی در حال شیر خوردن، یکی خواب، دیگری بی‌قرار از نشستن و تمایل به راه رفتن دارد...

در مجلس روضه قسمت خواهران هرگز سکوت مجالس آقایان را نمی‌بینیم... مهمه دارد، اما این قسمت معلوا از مادرانی است که در همان لحظه با همه سختی‌ها در حال تربیت فرزند خود برای آینده هستند تا یک دوستدار اهل بیت(ع)، یک زینبی و حسینی تربیت کنند.

کیف، ساک، کالسکه و کیسه خوراکی عمدتاً از لوازم ثابت خانم‌ها در مجالس روضه است؛ مادرانی که باید برای همه چیز تدبیر کنند. از خرد و خوراک گرفته تا تعویض پوشک طفل خود، همان کودکانی که تحمل‌شان به نسبت بزرگ‌ترها کمتر است. نه صبری برای مجالس طولانی‌مدت دارند و نه انگیزه‌ای برای حضور. غیر از اینکه با دوستان و سایر بچه‌ها همبازی شوند، اما انگیزه مادران، چیز دیگری است.

با حضور در مراسم مختلف عزاداری در سطح شهر تهران به خصوص هیئت‌های پرجمعیت که حتی عبور و مرور در آن برای بانوان به همراه کودکان به سختی صورت می‌گیرد، انگیزه مادران را جویا شدیم.

۱) بچه‌ها از فضای هیئت رنگ می‌گیرند

زهرا ۳۶ ساله مادر حسین و علی هشت و سه‌ساله است. او بچه‌ها را همیشه با خود به مراسم عزاداری و البته مراسم‌های جشن و شادی اهل بیت(ع) می‌برد. طبق گفته‌های او حتی در شرایط کرونایی با رعایت نکات بهداشتی علی را که تنها چند هفته داشت در دهه اول محرم با خود همراه می‌کرد. در مراسم شلوغ و پرجمعیت یکی از هیئت‌های مذهبی تهران در حال دویدن دنبال علی است که به زبان بچگی داد می‌زند «من هواپیما هستم». «از زهرا می‌پرسم چرا این سختی را تحمل می‌کنی و در هیئت در حال بازی کردن با کودک خودت هستی؟» می‌گوید: بچه‌ها از فضا رنگ می‌گیرند. اعتقاداتی که در ما شکل گرفته در آنها هم شکل می‌گیرد. جرا در عروسی بچه‌ها را به همراه خود می‌بریم اما زمان عزاداری نگوییم اذیت می‌شود؟! چه فرقی دارد؟ همین حضور باعث مأنوس شدن با مجالس روضه و اهل بیت(ع) می‌شود. هیئت مثل حرم می‌ماند و اعتقادات بچه‌ها قوی‌تر می‌شود. سعی می‌کنم سختی‌ها را قبول کنم و بچه‌ها را به هیئت ببرم. خودم ذوق نشان می‌دهم و معمولاً بچه‌ها به دلیل انسی که با مادر دارند، وقتی مادر چیزی دوست داشته باشد، انجام می‌دهند. همواره ذوق نشان می‌دهم و از طرف دیگر سعی می‌کنم در فضای هیئت یا آنها بازی کنم. اسباب‌بازی مخصوص هیئت دارم که صرفاً باید در هیئت بازی کنند و همین باعث ترغیب خورشان در فضای روضه می‌شود.

از او می‌پرسم برای آرام نگه داشتن بچه‌ها چه کار می‌کنی؟ زهرا می‌گوید: بچه‌ها از فضای هیئت چیزی متوجه نمی‌شوند اما من برای حضور آنها کارهایی که دوست دارند انجام دهند را مر نبط با این حضور انجام می‌دهم. خوراکی‌هایی را که دوست دارند در هیئت در اختیارشان می‌گذارم. بازی نشستنی انجام می‌دهم. هرگز زمان بازی با بچه‌های دیگر یا آنها ناندی نمی‌کنم. در انتخاب‌ها دقت می‌کنم. سعی می‌کنم هیئتی بروم که با بچه‌ها بازی کنند، اذیت نشوند و در زمستان گرم و تابستان خنک باشد. سعی می‌کنم خوراکی تهیه کنم که بتوانند همراه بقیه بچه‌ها بخورند. حسین را در هیئت برای انجام کاری شریک می‌کنم، مثل پخش کردن دستمال کاغذی. وقتی کودک کار دلخواه خود را انجام می‌دهد، اعتمادبه‌نفس می‌گیرد و از سوی دیگر مزه انفاق را هم می‌چشد. اصلاً هیئت، کلاس درس و تربیت است. سعی می‌کنم اسباب‌بازی‌هایی که می‌آورم در عین سادگی، متنوع و پرتعداد باشد. گران‌قیمت نباشد که اگر خراب شد، ناراحت نشود. قبل از هیئت برای حضور در این فضا زمینه‌سازی می‌کنم. سعی می‌کنم مکان‌هایی را انتخاب کنم که دوستان مذهبی و خانوادگی هم شرکت می‌کنند تا با فرزندان آنها معاشرت کنند.

۲) روضه سیدالشهدا(ع) در ناخودآگاه کودکی تأثیر دارد

در یکی دیگر از هیئت‌های مذهبی که جمعیت داخل خیابان روی موکت نشسته‌اند، نوز خانم‌هایی می‌روم که کودکی در کنارشان نشسته است. مادری کنار دختر تقریباً دوساله است که نقاشی می‌کشد. از او می‌خواهم چند دقیقه وقتش را بگیرم و بی‌مقدمه می‌گویم چرا با بچه به هیئت می‌آیی؟!

با صلابت و محکم می‌گوید: دوست دارم کودکم در این فضا باشد. به قول معروف «آدمی فربه شود از راه گوش». معتقدم شنیدن روضه سیدالشهدا(ع) و اهل بیت(ع)، در ناخودآگاه کودکم تأثیر دارد. حتی اگر چیزی از آن متوجه نشود. در ادامه می‌گوید: برای سرگرم کردن بچه حتماً اسباب‌بازی و خوراکی می‌آورم. از طرفی حتماً سعی می‌کنم در فضایی باشد که دوست دارد. مثلاً محیط باز دوست دارد و در محیط داخل مسجد کلافه می‌شود و اولویت هم برای من حس خوب دخترم است.

۳) حب امام حسین(ع) در قلب‌مان می‌افتد

کنار خانمی می‌نشینم که تلفن همراه خود را به دختر سه چهار ساله‌اش داده است. از او می‌پرسم همیشه با بچه به هیئت می‌آیید؟ می‌گوید: در خانه به پسر ۹ ساله‌ام می‌گویم شما با راحتی، با وسیله شخصی به هیئت می‌آیید که کولر و همه امکانات را دارد اما ما بچه بودیم مادر ما پیاده دست ما را می‌گرفت و در مجالس روضه امام حسین(ع) به سختی شرکت می‌کردیم. حب امام حسین(ع) در قلب ما افتاد و ما هم می‌خواهیم این حب در قلب آنها هم شکل بگیرد.

می‌پرسم مگر مطمئنی تأثیری دارد؟ پاسخ می‌دهد: صد در صد حضور آنها تأثیر دارد. قضیه الک سیاه است که پدری به بچه خود گفت برو با الک سیاه آب بیاور. بچه بعد چند بار گفت بابا به چه درد می‌خورد! پدر الک را خنثی داد و گفت سفید شد. بعد از جواب روشن او به دختر کوچکش که همچنان مشغول کوشی‌بازی است، اشاره می‌کنم و می‌پرسم، موبایل و یا سرگرمی می‌کند؟ می‌گوید: نه، ۱۰ دقیقه موبایل، ۱۰ دقیقه نقاشی، ۱۰ دقیقه خوراکی و هر چیزی ۱۰ دقیقه ۱۰ دقیقه آرامش به هیئت می‌آیی؟!

۴) بچه‌ها در اینجا با دوستداران اهل بیت(ع) معاشرت می‌کنند

چشمم به کودکی می‌خورد که کنار جدول در حال ماشین‌بازی و مادرش با فاصله ایستاده است. سراغ مادرش می‌روم و بعد از معرفی خودم، سؤال تاینم را می‌پرسم و می‌شنوم: برای اینکه بچه‌ها هم عشق امام حسین(ع) در دل‌شان بنشیند. روضه، کلاس درس تربیتی است. معاشرت بچه‌ها در این فضای بالطبع با فرزندانی است که در خانواده‌های دوستدار اهل بیت(ع) رشد کرده‌اند.

با فاصله نزدیک خواهر او که گوش تیز کرده بود هم به سؤال جواب می‌دهد، و می‌گوید: بچه‌ها را می‌آوریم تا عشق امام حسین(ع) در دل آنها هم بنشیند و برای این به دل نشستن هر کاری باید کنیم و از هیچ تلاشی دریغ نکنیم.

۵) وظیفه دارم فرزندانم را امام حسینی بار بیاورم

ساجده مادر هانا و هدی دوقلو است که هر دو در کالسکه خواب هستند. از او می‌پرسم چرا با بچه‌ها به روضه آمده‌ای و او می‌گوید: ما خودمان در این هیئت‌ها بزرگ شده‌ایم. امام حسینی شده‌ایم. وظیفه من به عنوان مادر این است که این سختی را تحمل کنم و بچه‌ام را همراه خودم کنم تا در بزرگسالی این حضور تأثیر خود را بگذارد. اعتقاد دارم باید به هیئت و روضه آمد. تا بچه‌ها قدری سختی بکشند، مگر بچه‌های ما کجا سختی می‌کشند؟! البته که تعمدی ندارم و تا حد امکان سعی می‌کنم بچه‌ها اذیت نشوند. سعی می‌کنم در محیط باز بنشینیم. جایی باشم که گرم نباشد. اگر خسته شدند هم بلند می‌شوم و لزوماً تا پایان مراسم نمی‌مانم.

۶) می‌دانم با بچه خیلی سخت است اما هدف تربیتی دارم

دوباره قدم می‌زنم. از میان جمعیت رد می‌شوم. کنار مادری می‌نشینم که مشغول غذا دادن به کودکی یک‌ساله است. می‌گویم خبرنگارم و در حال تحقیق برای اینکه بدانم چرا مادران این همه سختی می‌کشند و بچه‌های خود را به هیئت می‌آورند. در همان حال که به کودک خود غذا می‌دهد، می‌گوید: خیلی سخت است. کسانی که بچه ندارند و به این مجالس می‌آیند، بهره بیشتری از مراسم می‌برند اما مادرانی که با بچه می‌آیند دائماً درگیر هستند و تمرکزی نه برای گوش دادن به سخنرانی دارند و نه از روضه و سینه‌زنی بهره‌مند می‌شوند اما به هر حال هدف تربیتی پشت این همه سختی برای من وجود دارد که سایر موارد بعد از آن اهمیت دارد. فرزندم از همین سن کم باید در حال و هوای دینی قرار بگیرد.

۷) این بچه را از لطف و کرم آقا امام حسین(ع) دارم

شب بعد به هیئتی دیگر می‌روم. همان بدو ورود خانمی که تقریباً حجاب نیمه کامل دارد و کنار خیابان نشسته است و کودکی در کالسکه دارد، توجهم را جلب می‌کند. نزدیک می‌روم و خودم را خبرنگار معرفی می‌کنم و می‌پرسم چرا با بچه به روضه آمدید؟ سخت نیست؟! پاسخ ابتدایی قطره‌های اشکی است که روی گونه او روان می‌شود. به کودک‌ش نگاه می‌کند و می‌گوید: چرا نیایم؟ من ایمن بچه را از لطف و کرم آقا امام حسین(ع) دارم. من نذر داشتم. بازسال در همین مراسم خواسته و چند ماه بعد برای اولین بار به کربلا رفتم و بعد از آن باردار شدم. حالا احساس می‌کنم کمترین کار من حضور من و پسرم در مراسم برای همدردی و همراهی با مصیبت‌های امام حسین(ع) و خانواده اوست.

۸) بچه‌هایم عاشق مجلس امام حسین(ع) هستند

مراسم شلوغ است. خانمی به همراه دو کودک پسر و دختر تقریباً پنج و سه‌ساله به همراه همسرش روی زیرانداز با فاصله دورتر از بلندگو نشسته است. کنارش می‌نشینم و بعد از معرفی خودم پرسشم را مطرح می‌کنم و او می‌گوید: برای اینکه بچه‌ها پیسه امام حسین(ع) شوند. با روضه مأنوس باشند. از خیلی وقت پیش بچه‌ها را به حضرت‌شان سپردم و با تمام سختی‌هایی که هیئت دارد، آنها را می‌برم و حتی کربلا هم می‌رویم. زیارت و هیئت رفتن بدون بچه واقعاً راحت است اما این سختی را به جان می‌خرم تا محب و عاشق حضرت باشند. پسرش با تلفن همراه مشغول بازی است و دخترش آرام و متین مشغول تماشا کردن مراسم است. می‌پرسم چه تدبیری می‌کنی که اینجا دوام بیاورند؟! می‌گوید: خوراکی، مدادرنگی و نقاشی و حتی اسباب‌بازی و جایزه می‌خرم. الان اگر از بچه‌های من بپرسید، می‌گویند هیئت خوش می‌گذرد و عاشق آمدن به هیئت هستند. سن بچه‌ها به دعا و درک ماجرای کربلا نمی‌رسد اما عاشق مجالس عزاداری هستند.

۹) از کودکی در روضه و هیئت بزرگ شده‌ام

چشمم به خانمی می‌افتد که چادر به سر مشغول دویدن دنبال دو کودک تقریباً نوباست که لحظه‌ای قرار ندارند. نزدیک‌تر می‌روم که حرفی بزنم اما می‌بینم فرصت ندارد تا نانه‌ای از بچه‌ها چشم برداارد. بچه‌ها خوشحال از این طرف به آن طرف می‌روند و مشغول معاشرت با سایر کودکان هستند. همزمان دست هر دو را می‌گیرد، فرصت را غنیمت می‌دانم و به کنارش می‌روم و می‌گویم خبرنگارم و برای جواب سؤالم آمده‌ام اما به حدی درگیر هستید که فرصت پاسخ ندارید. با لبخندی از من می‌خواهد سؤال را بپرسم. به محض پرسیدن سؤال تکراری، پسربچه دستش را می‌کشد و فرار می‌کند. دخترک را به من سپرده و به دنبال پسرش می‌دود. تمام مدت گفت‌وگو دست ریحانه در دست من است. مادرش می‌گوید: من بچه‌هایم را از امام حسین(ع) گرفتم. نذر امام حسین(ع) هستند. می‌پرسم دوقلو آوردن به هیئت خیلی سخت است؟! پاسخ می‌دهد: خیلی! اما از آنجا که خودم در روضه و هیئت بزرگ شده‌ام دوست داشتم بچه‌هایم هم اینطور باشند. خودم از هیئت چیزی متوجه نمی‌شوم اما قطعاً در امام حسینی شدن بچه‌هایم تأثیر گذار است.

۱۰) نشاط معنوی مجلس سیدالشهدا(ع) در هیچ مراسمی تکرار نمی‌شود

مادری نوزاد در بغل و در حال باد زدن طفل خود است. کودک خواب و مادر در حال عزاداری است. کنارش می‌نشینم و می‌پرسم با بچه نوزاد عزاداری سخت نیست؟! می‌گوید: خودمان از زمان بچگی با شرکت در این مجالس حس مثبتی داشتیم و نشاط معنوی مجلس سیدالشهدا(ع) در هیچ مراسمی تکرار نمی‌شود. اعتقاد دارم برای ماندن فرزندم زیر پرچم اهل بیت(ع) باید این احساس را در ناخودآگاه او نیز از طریق همین مجالس شکل دهم. به هر حال هوا گرم است اما تحمل این شرایط به دلیل هدف بزرگ‌تری است که قطعاً بی‌تأثیر نخواهد بود.

۱۱) با بچه‌های حسینی مهربان باشیم

در پایان این گزارش چند نکته شاید بیان آن خالی از لطف نباشد: نکته اول در رابطه با همراهی پدران با مادران است که می‌تواند آنها را در ثواب این سختی شریک کند. این همراهی می‌تواند در بحث حضور در مجالس باشد تا سرگرم کردن پسربچه‌ها در قسمت مردانه هیئت و حتی حمل وسایل و اندیشیدن تمهیداتی که آمد و شد را برای مادران ساده‌تر کند.

نکته دوم درباره بانیان برگزاری مراسم‌های مذهبی است که بعضاً در همین چند مراسم دیده شد. برخی هیئت‌های مذهبی قسمتی را برای نگهداری کودکان تعبیه کرده‌اند تا مادران حسینی امکان استفاده از مراسم را داشته باشند. چنین عملکردی بسیار مورد استقبال مادران است.

نکته سوم در مورد برخی عزاداران حسینی است که بعضاً دیده می‌شود در برخورد با کودکان ملاطفت کمتری به خرج می‌دهند. برخوردهای نسبتاً ضعیف از سوی سایر عزاداران خاطرات تلخی را از مراسم برای کودکان رقم می‌زند و در ناخودآگاه آنها ثبت و مانع از این می‌شود که شوقی برای آمدن در مراسم داشته باشند. چه بسا سعه‌صدر بیشتر همان کار مهمی باشد که بر دوش ماست تا با تحمل سر و صدا و شیطنت‌های کودکان، بتوانیم در پرورش نسلی حسینی شریک باشیم.

حاج داوود علیزاده، مداح پیشکسوت اهل بیت(ع):

منبر و مداح درست برای حضور جوانان انتخاب کنیم

تام حاج داوود علیزاده برای عاشقان ابا عبدالله الحسین(ع) آشناست. وی ۲۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ در تهران و در خانواده‌ای مذهبی و عاشق اهل بیت(ع) به دنیا آمد و قبل از اینکه راهی مدرسه شود، نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی را با ذکر حسین حسین شروع کرد. همراه با تحصیل مداحی را نیز ادامه داد. از جمله برنامه‌های وی می‌توان به طشت‌گذاری که همه ساله در مسجد انصارالحسین تهران و در آخرین جمعه ذی‌الحجه برگزار می‌شود، اشاره کرد. از نمونه مداحی‌های بی‌نظیر وی می‌توان به مراسمات ایام فاطمیه، مصیبت بنیسه، خطبه حضرت زینب(س) و خطبه امام سجاد(ع) اشاره کرد که وی را در زمره چهره‌های ماندگار مدح و مرثیه آل عبا(ع) قرار داده است. در روزهایی که در دو روز شهر سیاه پوش عزای امام حسین(ع) است، ظهر پنجم محرم صدایی بم که گویی از نوحه سیدالشهدا(ع) گرفته است،

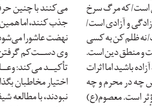

جواب تلفن را می‌دهد. یاد شعر استاد حاج غلامرضا سازگار می‌افتم که می‌گفت: «به جای جای دلم جای پای توست حسین / خوشم که جنجره‌ام نینوای توست حسین»

■■■

از او درباره شیوه‌های نوین عزاداری و تلاش برای جذب جوانان می‌پرسم، می‌گوید: این واعظین و مداحین هستند که وارد سبک‌های جدید شده‌اند و جوان‌ها صرفاً برای هیجان تخلیه انرژی در این مجالس شرکت می‌کنند و روزبه‌روز از مفاهیم اصلی نهضت امام حسین(ع) بیشتر فاصله می‌گیرند.

■ اثرگذاری منوط به انتخاب درست منبر و مداح است

وی در پاسخ به این پرسش که نقش خانواده و والدین در حسینی شدن و تربیت دینی فرزندان چیست؟ می‌گوید: شخصیت والای امام حسین(ع) تحولات و تدبراتی که باعث شده است، مادران و پدران برای حضور فرزندان خود درک و تلاش کنند، زمانی اثرگذار است که انتخاب درستی در منبر و مداح وجود داشته باشد. این مهم است که کودک، نوجوان و جوان پای کدام منبر و مجلس روضه باشد تا پیام امام حسین(ع) به صورت صحیح به او منتقل شود و اثر مثبت داشته باشد.

■ هدف اصلی گریه کردن، یادگیری آموزه‌هاست

وی ادامه می‌دهد: بنده در بیخ سالگی در جلسه‌ای بودم که مؤثر بود و برای من به حدی جاذبه داشت که شیفته امام حسین(ع) شدم. هدف این نبود که در مجلس بنشینیم و فقط گریه کنیم بلکه هدف این بود که یاد بگیریم در مقابل زور، استبداد و شرک جهاد کنیم و در مسیر انتخابی مثل این شعر «اول ز جوان خود گذشتن/ مصداق عدالت حسین است» عمل کنیم. این یعنی کردار و رفتار اهل بیت(ع) و نهضت سیدالشهدا(ع) اگر در مجالس گفته شود، نقش مؤثری دارد. حر سد راه امام حسین(ع) شد اما بعد برگشت، امام حسین(ع) به استقبالش رفت و او را در آغوش کشید یا در مقابل غلام سیاهش در حالی که غلام بود «یوسید غلام را چو فرزند».

از وی می‌پرسیم وعاظ و مداحان ما در چگونه باید مفاهیم دینی را منتقل کنند تا هم اثر مثبتی داشته باشد و هم جذبه ایجاد کند و موجب دفع جوانان نشود؟ وی در پاسخ می‌گوید: بسیاری از واعظین و مداحین سبک‌های سنتی و آیینی را فراموش کرده و وارد سبک‌هایی شده‌اند که اصلاً در مسیر امام حسین(ع) نیست. جوان‌ها در این جلسات شرکت می‌کنند که صرفاً هیجان و انرژی خود را تخلیه کنند. در چشم و ابروی خیالی حضرت ابوالفضل(ع) تمرکز می‌کنند و در ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی او تامل نمی‌کنند

بسیاری از واعظین و مادحین سبک‌های سنتی و آیینی را فراموش کرده و وارد سبک‌هایی شده‌اند که اصلاً در مسیر امام حسین(ع) نیست. جوان‌ها در این جلسات شرکت می‌کنند که صرفاً هیجان و انرژی خود را تخلیه کنند. در چشم و ابروی خیالی حضرت ابوالفضل(ع) تمرکز می‌کنند و در ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی او تامل نمی‌کنند

عکس: رضا محمدی/ جوان

ایجاد کرد. پیامبر اکرم(ص) که اشرف انبیاست در مورد سیدالشهدا(ع) می‌فرماید: «حسین منی و انا من حسینی»، از زبانش بس که شیرین کام شد/ جان احمد باحسین ادغام شد. پیامبر اکرم(ص) از بدو تولد تا رحلت توجه خاصی به امام حسین(ع) داشت.

نهضت امام حسین(ع) نهضت آزادگی و در مسیر انسانیت بودن است. در واقع نهضت امام حسین(ع) برای این بود که در مقابل استبداد و زور مقاومت و دین پیامبر خدا(ص) را احیا کند.

حاج داوود علیزاده در ادامه با قرائت شعری بر سخن خود صحه می‌گذارد: برزگ فلسفه قتل شاه دین این است/ که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است/ حسین مظهر آزادگی و آزادی است/ خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است/ نه ظلم کن که کسی نه زیر ظلم برو/ که این مرام حسین است و منطق دین است. به فرموده امام حسین(ع) اگر دین ندارید (اراده باشید) اما اثرات و انعکاس این نهضت در محافل و مجالس چه در محرم و چه غیر از محرم از کودکی تا بزرگسالی مؤثر است. معصوم(ع) می‌فرماید: «اَلعِلمُ فِی الصِّغَرِ کَالنَّقشِ فِی الحَجَرِ» به این ترتیب اثراتی که علوم و دانش و ثبت خاطرات در کودکی نقش می‌بندد تا آخر عمر اثرگذار و ماندگار است. اما این اثرات و علوم آگاهی

عکس: رضا محمدی/ جوان

چنانچه خانواده‌ها فرزندان خود را تشویق به حضور در مجالس حسینی کنند، از طریق فرهنگ حسینی با خدا و پیامبر(ص) بهتر و بیشتر آشنا می‌شوند. این یک روش درست محسوب می‌شود چرا که درخت اسلام را باید از میوه‌اش شناخت و یکی از بهترین این میوه‌ها وجود سیدالشهدا(ع) است

عکس: رضا محمدی/ جوان

بایدکودکان و نوجوانان را مورد احترام قرار دهند.

حجت‌الاسلام صابری ادامه می‌دهد: همانطور که به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاریم، باید این فرهنگ جاینفتد که نسل جدید در مراسم عزاداری بها دهیم و آنها را راهنمایی کنیم تا احساس کنند شخصیت دارند و مورد توجه قرار می‌گیرند نه اینکه با بی‌مهری آنها را کنار بگذاریم و افراد بزرگ‌تر را مورد نقد قرار دهیم.

به اعتقاد وی این رفتار یعنی انتقال ادب به شیوه مناسب و افزون بر این، جاذبه فضای مراسم نیز از این طریق اثرگذار خواهد بود.

■ انتقال مفاهیم به شیوه منطقی و اقناعی

یکی دیگر از نکات مورد اشاره در صحبت‌های مدیر موزه ملی قرآن کریم نوع انتقال مفاهیم